### مدیرکل محیط‌زیست سیستان‌وبلوچستان در گفت‌وگو با «شرق»:

# هنوز ۹۰درصد تالاب بی‌آب است

**شرق: اگر تالاب هامون احیا شود سیستان احیا خواهد شد. چون تالاب هم هوا را تلطیف می‌کند، هم مشکل آلودگی‌های مختلف و به خصوص ریزگردها را در این منطقه حل می‌کند. اینها را خسرو افسری مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان سیستان‌وبلوچستان در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید. افسری از سال ۸۹ تاکنون مدیر کل محیط‌زیست این استان است و معصومه اینکار پس از انتخاب به‌عنوان رییس این سازمان او را در سمت خود ابقا کرد. او خود متولد منطقه سیستان و متولد شهر زابل است و پیش از این به‌عنوان معاون محیط طبیعی این نهاد مشغول به کار بود. افسری همچنین دارای مدرک تحصیلی مهندسی کشاورزی گرایش زراعت و اصلاح نباتات است که حدود ۲۵سال سابقه حضور در سازمان حفاظت محیط‌زیست را دارد. در سفر به سیستان‌وبلوچستان و شهر زاهدان در رابطه با حل و روز کنونی تالاب هامون و آینده‌ای که پیش‌روی این پهنه آبی مهم در مرز ایران و افغانستان است با او گفت‌وگو کرده‌ایم.**

**گاه افسری! چه اتفاقی افتاد که هامون پس از سال‌ها خشکسالی نجات پیدا کرد و دوباره آب به آن رسیده است. این اتفاق محصول چه فرآیندی بود. دیپلماسی یا طبیعت. در این میان کدام‌یک بیشتر نقش داشتند؟**

اول از همه به نظر من لطف خدا بود که بعد از ۱۶ سال خشکسالی آب وارد تالاب هامون شده است. آمدن خانم لنکار و آقای گری لوییس نماینده سازمان‌ملل برای بازدید از وضعیت هامون امیدی در دل مردم سیستان ایجاد کرد، نگاه خود آقای رحمانی هم تاثیرگذار بود. ایشان در سفر به افغانستان بر روی موضوع حقابه هامون از رودخانه هیرمند صحبت کرد. علاوه بر این خوشبختانه اسمال در افغانستان بارندگی زیاد بود و گفت‌وگوها و رایزنی‌هایی که شده هم دست به دست هم داده و این آب تامین شده است. می‌دانید که هامون بزرگ تشکیل شده است از سه بخش مجزا: هامون پوزک، هامون سابوری و هامون هیرمند. هامون پوزک بخش عمده و اصلی‌اش در خاک افغانستان است. ۱۰هزارهکتار از این بخش جزو تالاب‌های بین‌المللی ثبت شده. هامون سابوری هم بیشتر بخش‌های عمیقش در خاک افغانستان است. از این قسمت هم ۵۰هزارهکتار جزو تالاب‌های بین‌المللی رامسر است ثبت شده. هامون هیرمند هم که به صورت کامل در خاک ماست. سازمان محیط‌زیست در این دو سال اعتبارات خوبی را به ما اختصاص داد. سال گذشته یک‌میلیارد و ۶۰۰میلیون‌تومان بودجه برای تالاب‌های استان سیستان‌وبلوچستان اختصاص داده شد. بود که ما از محل همین بودجه کلاژ هایی حفر کردیم برای رساندن بهتر آب به تالاب. هامون که حدود یک‌میلیاردتومان هزینه برداشت. تداوم خشکسالی در حال از بین بردن منطقه بود. بر همین اساس طرحی را در دست اجرا قرار دادیم که در اطراف کوه خواجه یک منطقه‌ای را به‌عنوان طرح پایلوت تالاب هامون احیا کنیم؛ با بتونیم یا مقداری آب یک تالاب ایجاد کنیم که نشان دهیم کل تالاب به این شکل بوده است. اسمال برای اولین بار توانستیم آب را هدایت کنیم به نزدیکی کوه خواجه که نزد مردم محترم است.

**این کانال مشخصا چه اقدامی انجام داد؟**

وقتی آب رودخانه هیرمند از خاک افغانستان وارد خاک ایران می‌شود به دو شاخه تبدیل شده و بخشی از آن در خط مرزی به سمت هامون پوزک می‌رود و بخشی از طریق رودخانه هیرمند به صورت مستقیم وارد خاک ایران می‌شود. قبل از این یک بندی بود در نزدیکی مرز و محل ورودی آب به داخل ایران به اسم بند «کاظم دم» بود که سه چهار سال پیش این بند برداشته و حذف شد. چون این بند مانع از ورود آب به داخل کشور می‌شد و در مجموع ثمره خوبی نداشت.

**یعنی این سد تخریب شد؟**

بله به صورت کامل تخریب شد و حالا حجم زیادی از آب وارد کشور می‌شود و مثل سابق نیست چون این بند مانع از ورود آب به کشور می‌شد. در این سال‌ها مسیر رودخانه‌ها رسوب‌هایی گرفته بود و همین مانع از ورود آب به میزان مطلوب به تالاب می‌شد. خوشبختانه امسال هم بودجه‌هایی برای این رسوب‌برداری و لایروبی اختصاص داده شده.

**کلا در این شرایط آیا می‌توان گفت مشکل هامون به صورت کامل برطرف شده است؟**

نه. چنین چیزی نیست. وقتی به روند ترسالی و خشکسالی هامون نگاهی بیندازیم ما را وادار می‌کند که به فکر مدیریت منابع آب در تالاب باشیم. چون نگاهی به تاریخ تالاب هامون نشان می‌دهد یک سیکل ترسالی و خشکسالی را پیشتسر می‌گذارد که به صورت دوره‌ای تکرار می‌شود. اما این اتفاق هیچ وقت رخ نداد که کل تالاب برای ۱۶ سال خشک شود.

**گنجایش آبی تالاب هامون به‌صورت کامل در خاک ایران و افغانستان روی‌هم‌رفته چه میزان است؟**

در مجموع برای پرشدن کل تالاب به ۱۲میلیارد‌مترمکعب آب نیاز است. اگر کل تالاب را به صورت میانگین عمق دومتر در نظر بگیریم.

**تا این لحظه که با شما صحبت می‌کنیم چه مقدار آب وارد تالاب شده است؟**

الان خیلی کم آب آمده است. کمتر از یک‌میلیارد‌مترمکعب، یعنی هنوز بیشتر از ۹۰درصد هامون خشک است.

**برخی از کارشناسان می‌گویند آبی که هیاکتون در حال ورود به هامون است را نباید حقابه تالاب محسوب کرد. چرا که ناشی از سیلاب است و دولت افغانستان راهی جز رها کردن این آب نداشت. نظر شما در این‌باره چیست؟**

درست است. سیلاب‌ها را نمی‌توان جزو حقابه ایران از تالاب هامون به حساب آورد. اما نباید فراموش کرد که آب در دست کشور افغانستان است و آنها امکان حفر کردن کانال و منحرف‌کردن آب و... را دارند. مسلما اگر امروز اجازه ورود آب به ایران داده شده همه آن ناشی از سیلاب نبوده و همین رایزنی‌ها و سایل دیپلماتیک هم نقش داشته است.

**پس نمی‌توان گفت صرفا این آب از سیلاب تامین شده است، در سال‌های گذشته چه مقدار از خشکسالی تالاب هامون ناشی از خشکسالی و کمبارشی بوده و چه مقدار ناشی از عدم پرداخت حقابه ایران؟**

طبق آمار و اطلاعاتی که البته دقیق و در همه موارد گفتنی هم نیست، در بعضی از سال‌های خشکسالی حتی تا سه‌میلیارد‌مترمکعب آب وارد تالاب شده است اما این آب مدیریت نشده و تاثیری نداشته است. آب بعد از مدتی خشک شده است. البته این سه‌میلیارد که می‌گویم بخش عمده‌اش در خاک افغانستان است. چون بخش عمیق آب در خاک آنهاست. همین امروز مثلا هامون پوزک در خاک افغانستان به صورت کامل پر شده و به بخشی کوچک از آن در خاک ما آب رسیده است.

**چه میزان از وسعت کل تالاب هامون در خاک کشور ماست و چه مقدار آب نیاز است؟**

چهارصدهزارهکتار از تالاب داخل مرزهای ایران است و اگر با عمق دو متر آب موردنیاز زنده‌شدن تالاب باشد باید دست‌کم هشت‌میلیارد‌مترمکعب آب به آن وارد شود. الان با در نظرگرفتن این موضوع هنوز آب چندانی به خاک کشور ما وارد نشده است. بخش عمیق هم در خاک افغانستان است. به همین دلیل اگر ورود آب ادامه پیدا نکند و به حداقل حدود پنج‌میلیارد‌مترمکعب نرسد باز هم شاهد خشکشدن تالاب خواهیم بود.

**گفته‌اید که پیش از این هم در مواردی که آب به تالاب وارد می‌شد اما مدیریت نمی‌شد. مشخصا منظورتان از این مدیریت چیست یعنی باید چه اتفاقی برای این آب رخ دهد که مدیریت شود؟**

آب می‌آید اما کشت ما سنتی و غیراستاندارد است. هنوز کشت به روش غرقابی انجام می‌شود. هنوز با وجود این کم‌آبی به جایی نرسیده‌ایم که از حداقل آب حداکثر بهره‌برداری را کنیم. حتی در واقع برعکس است. البته نگاه دولت جدید به این موضوع مدیریت آب خوب است. دولت بودجه را برای آبرسانی با لوله به نقاط مختلف برای جلوگیری از هدررفت آب اختصاص داده. این کار پیش از این انجام نمی‌شد.

**با این لوله‌کشی قرار است چه مقدار از دشت سیستان را تحت‌پوشش قرار دهد؟**

واقعیت این است که ما نمی‌توانیم همه دشت سیستان را تحت‌پوشش این آب قرار دهیم به‌همین منظور ۴۶هزارهکتار از زمین‌ها برای رساندن آب با لوله در نظر گرفته شده‌اند. یعنی بیش از این امکان نداره و به‌همین دلیل برای این میزان برنامه‌ریزی شده است. این یعنی چاره‌ای نداریم که از منابع آبی درست استفاده کنیم. موضوع دیگر این است که آب تالاب در پهنه وسیعی پخش می‌شود. میزان تبخیر در سیستان پنجهزارمیلیمتر در سال است و بخش زیادی از این آب به این شکل هدر می‌رود. آن هم آبی که به این زحمت وارد کشور می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۴

گزارش «شرق» از بازگشت آب به بزرگ‌ترین تالاب آب شیرین ایران پس از ۱۶ سال

# «هامون» پر آب شد؛ زندگی لبخند زد

صدرا محقق

مردان جوان لباس‌های بلوچی‌شان را در آورده و گذاشته‌اند لبه پسل، با بدن‌های لاغر و پوست‌های گندمگون از آن سوی جاده خیز بر می‌دارند و از ارتفاع بلند پل شبرجه می‌زنند داخل آبی که از رودخانه ملکی می‌گذرد. فریادهای از سر شوفشان می‌بیجد در گوش دشت. اینجا شهرستان هیرمند در استان سیستان‌وبلوچستان است و تا مرز کشور افغانستان کمتر از پنج کیلومتر فاصله دارد. آبی که از زیر این پل می‌گذرد و در ۱۶سال گذشته هیچ خبری از آن نبود هم بخشی از آبی است که از اواخر فروردین امسال از کوه‌های هندوکش و ارتفاعات بابایغما در ۴۰ کیلومتری غرب کابل در افغانستان سرچشمه می‌گیرد و پس از طی مسافت ۱۰۵۰ کیلومتر در رودخانه هیرمند، آمده تا لب‌های تشنه تالاب هامون را سیراب کند.

روستای تخت‌عدالت یکی از روستاهایی است که برای سال‌ها در ساحل پر آب بخشی از تالاب هامون یکی از مراکز اصلی صیدی در این نقطه از کشور بود. با این حال در این سال‌های خشکسالی اینجا به روستایی در ساحلی خشک و بی‌آب و علف بدل شده بود. قایق‌های صیادی در همه این سال‌ها به گل نشسته بود. گرد و غباری که از خاک منطقه بلند می‌شد این روستا را مانند حدود روستای واقع در همسایگی تالاب به جهنمی دایمی از گردوغبار بدل کرده بود. با این حال حالا که پس از ۱۶ سال خشکسالی آب دوباره به سواحل این روستا رسیده است قایق‌های صیادی و گردنگری دوباره روشن شده. کودکان کوپن‌وسال روستا شاد و سرخوش در سواحل جستوخیز می‌کنندو ذوق‌زدگی و سرزندگی را در عمق سیمای چشمهایشان می‌توان دید.

آن سوتر مردان جوان و میانسال موتور قایق‌های خود را روشن می‌کنند و مسافرانی که برای دیدن برایی دوباره هامون از راه رسیده‌اند را با سرعت به وسط تالاب می‌برند. کمی آن سوتر برجک‌های خط مرزی کشور دیده می‌شود. برجک‌ها به فاصله‌های کوتاه از هم افتاگر از دل آب سربرآورده‌اند.

تالاب هامون نزرگ‌ترین دریاچه آب شیرین در سراسر فلات ایران در جلگه وسیع سیستان واقع است و منابع آب مورد نیاز آن از رودخانه هیرمند و چند رودخانه کوچک دیگر تامین می‌شود. این دریاچه که از سه دریاچه با نام‌های هامون پوزک هامون سابوری و هامون هیرمند تشکیل شده است در زمان بر آبی مساحتی در حدود پنج‌هزار و ۷۰۰کیلومترمربع داشت و متوسط عمق آب آن یک تا پنج متر بود. هامون برای قرن‌ها دشت سیستان را به یکی از حاصلخیزترین و تمدن‌سازترین نقاط ایران بدل کرده بود. نشان به آن نشان که قدمت تمدن حیرت‌انگیز و با شکوه شهر سوخته که بقایای آن در ۵۶ کیلومتری زابل کشف شده است به بیشتر از پنج‌هزارسال پیش برمی‌گردد. آنگونه که برخی از باستان‌شناسان گفته‌اند تمدنی که این شهر را بنا نهاد به احتمال زیاد پیشرفته‌ترین شهر جهان قدیم بوده است. کشف یک چشم مصنوعی و اولین انیمیشن جهان بخشی از میراث باقی‌مانده از تمدن شهر سوخته است. علاوه بر این سیستان برای سال‌ها به‌عنوان انبار غله ایران شناخته می‌شد. اما اینها تنها تا زمانی بود که هامون آب داشت. از اواسط دهه ۷۰ خورشیدی بخت از این پهنه بزرگ آبی برگشت و هر سال میزان آبی که سیمیه طبیعی‌اش بود کمتر و کمتر شد تا در نهایت تالاب هامون برای همیشه خشک شود. کاهش و در نهایت قطع‌شدن کامل آب هامون درست همزمان با برآمدن دولت بنیادگرای طالبان در افغانستان بود. طالبان تندرو که با دولت ایران رابطه خوبی نداشتند با سدکردن آبی که از افغانستان می‌آمد مانع از ورود آن به خاک ایران شدند.

سابقه معاهدات ایران و افغانستان بر سر حقابه از رودخانه هیرمند برای ورود به تالاب هامون به سال ۱۲۵۱ خورشیدی برمی‌گردد. در آن سال با حکمیت یک ژنرال انگلیسی مرز ایران و افغانستان، یکی از شاخه‌های رودخانه هیرمند تعیین شد اما درباره میزان سهم هر کشور از آن صحبتی به میان نیامد. ۶۷ سال بعد و در زمان حکومت رضاشاه پهلوی تلاش‌هایی برای حل‌وفصل مساله آب هیرمند با محمدنادرشاه حاکم وقت افغانستان انجام گرفت و منجر به امضای پیمانی شد که در ماده نخست آن اینگونه آمده بود: ایران و افغانستان توافق می‌کنند همه آب هیرمند از بند کمال‌خان که ۴۷ کیلومتر در داخل خاک افغانستان با مرز ایران فاصله دارد به سهم مساوی میان دو کشور تقسیم شود. این پیمان تا چندین‌سال مشکلات میان دو کشور را حل‌وفصل کرده بود. اما ایجاد دو سد بزرگ در افغانستان (سد مخزنی کجکی و سد انحرافی بغران) در سال ۱۳۳۸ و کاهش آب ورودی به ایران بار دیگر اختلافات را در این زمینه گسترش داد. دوره بعدی مذاکرات میان طرفین در سال ۱۳۵۳ با میانجیگری آمریکا ادامه پیدا کرد. در این سال هم توافقاتی صورت گرفت اما کودتای همان سال در افغانستان و بار دیگر ماجرا را بلاموضوع کرد. پیش از به‌قدرت‌رسیدن طالبان در کشور همسایه و به‌خصوص در دوره‌ای که مجاهدین شمال در کابل قدرت را در دست داشتند مشکل و اختلاف چندانی میان دو کشور وجود نداشت، اما با آمدن طالبان همه‌چیز به یکباره روند نزولی پیدا کرد؛ هم رابطه دوستی میان دو کشور، هم میزان آب ورودی به ایران. با این حال اگرچه دولت این گروه تندرو در نهایت پنج‌سال بعد با حمله نظامی آمریکا ساقط شد اما روالی که آنها پایه گذاشتند در سال‌های پس از آن هم ادامه داشت.

در همه سال‌های گذشته که هامون روزگار بی‌آبی و خشکی را می‌گذراند دشت سیستان و شهرها و روستاهای واقع در این منطقه رنج‌ها و گرفتاری‌های بسیاری را متحمل شدند. آنگونه که هوشنگ ناظری، فرماندار زابل به «شرق» می‌گوید در این سال‌ها دست‌کم اشتغال ۷۰ تا ۸۰هزارنفر از افرادی که به‌صورت مستقیم از طریق این تالاب روزگار می‌گذراندند از بین رفت و همه این افراد بیکار شدند. مشاغلی که این مقام دولتی از آنها سخن می‌گوید در زمینه کشاورزی، دامداری، صیادی، صنایع دستی و گردشگری بود.

مجتبی نورا، عضو دبیرخانه تالاب هامون و مشاور دبیرخانه در امور سازمان‌های مردم‌نهاد در رابطه با میزان خسارت و زیان ناشی از خشکشدن تالاب در این سال‌ها در گفتوگو با «شرق» می‌گوید: «بیکاری ۱۸هزار صیادی که سالانه ۱۲هزار تن ماهی از آبهای تالاب برداشت می‌کردند تنها بخشی از این خسارت بود و همیشه هم این آمار گفته شد. اما بر اساس محاسبات ما بیشترین خسارت را از خشکی تالاب، دامداران منطقه دیده‌اند. در سال ۱۳۷۴ آنگونه که آمار نشان می‌دهد ۱۲۰هزار رأس در منطقه وجود داشت و در نیازهای تالاب چرا می‌کرد، اما آمار امسال نشان می‌دهد این تعداد به کمتر از یکهزار رأس گاو رسیده است چون در این ۱۶سال خشکسالی، نه آب و نه علوفه کافی برای تغذیه این گاوها وجود نداشت.»

نورا همچنین با اشاره به خسارتی که بخش صنایع دستی سیستان در این سال‌ها متحمل شده است نیز اینگونه توضیح می‌دهد: «آمار سال حاشیه تالاب حکایت دارد، اما از آن میزان حالا تنها در سه روستای کوچک انری از حصیربافی بافت می‌شود که مواد اولیه آنها نیز از میوندشت در استان گلستان با هزارو ۵۰۰کیلومتر فاصله تامین می‌شود که هزینه ترانزیت و... را هم باید به آن اضافه کرد. میزان تولید پرده‌های حصیری حالا به چندصدمتر هم نمی‌رسد.»

به همه اینها باید خسارت‌های ناشی از ریزگردها و آلودگی هوا را هم اضافه کرد. وقتی وسعت پنج‌هزارو ۷۰۰کیلومترمربعی هامون خشک شد، بستر آن تبدیل شد به یکی از بزرگ‌ترین مراکز تولید ریزگرد و توفان‌های گردوخاکی در این نقطه از زمین. همین مساله نیز منجر به آن شد که بیشتر از ۳۰۰ روستا در این منطقه به دلیل توفان‌های گردوغباری تخلیه شود. این آمار را ناظری، فرماندار شهرستان زابل در اختیار «شرق» گذاشته است. او همچنین گفته است که سیستان به‌لحاظ بیماری‌های تنفسی و سل و همچنین بیماری‌های چشمی که منجر به نابینایی افراد می‌شود در کل کشور رتبه اول را دارد.

مجموعه این خسارت‌ها در سال‌های گذشته این منطقه از کشور را به یکی از بدترین نقاط سرزمین ایران برای زندگی بدل کرده بود. خشکسالی و عدم انجام تلاش‌های دیپلماتیک اثرگذار برای حل مشکل با کشور افغانستان دست‌به‌دست هم داد تا هامون با همه ویژگی‌های مثبت و مهمش به یکی از اسیب‌زاترین بخش‌های ایران بدل شود.

با این حال پس از آغاز به کار دولت حسن روحانی و گماشتن معصومه ابتکار به‌عنوان رییس سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور مجموعه دولت احیای تالاب هامون را یکی از اهم برنامه‌های خود عنوان کردند. ابتکار در یکی از اولین سفرهای استانی محیط‌زیستی خود در تاریخ پنجم دی به سیستان‌وبلوچستان و شهر زابل رفت تا وضعیت این دریاچه را از نزدیک نظاره‌گر شود. او در آنجا به اهالی سیستان وعده داد برای حل مشکل هامون از همه پتانسیل‌های دولت استفاده خواهد کرد.

پس از سفر رییس سازمان حفاظت محیط‌زیست «گری لوییس» هماهنگ‌کننده ارشد سازمان‌ملل در ایران نیز به همراه احمدعلی کیخا معاون محیط طبیعی سازمان حفاظت محیط‌زیست در بیستم دی از تالاب هامون بازدید کرد. این مقام بین‌المللی در این سفر درباره وضعیت این منطقه گفت: «در بحث آب خشکشدن افغانستان در حال حاضر آب بیشتری برداشت می‌کند و منافعی از کشاورزی می‌برد که کوتاهمدت است. اگر این برداشت آب و کشاورزی کوتاهمدت به خشکشدن همیشگی هامون منجر شود، با بادهای ۱۲۰روزه‌ای که در منطقه وجود دارد، توفان‌های گرد و غباری ایجاد می‌شود و ذرات گرد و غبار را به سمت افغانستان و پاکستان برمی‌گردانند. با این فرایند تمامی این اراضی، زیر شن و غبار ناشی از این خشکشدن قرار می‌گیرد. چیزی که هم‌اکنون در منطقه دیگر کشور، ایران تحت‌تاثیر آن است. اگر برای افغانستان اتفاق بیفتد اثرات نامطلوبی برای آنها در پی دارد. گری لوییس همچنین گفت: «نمی‌دانم چرا اینقدر موضوع هامون زمان برده و صداهای مردم شنیده نشده است. شاهد بودیم که مردم برای ارومیه سر و صدا کردند ولی نمی‌دانم چرا برای هامون سر و صدایی نشد. وظیفه ما این است که روی راه‌حل فکر کرده و راهکار بیابیم. اگر بخواهیم صادق باشیم، واقعا معلوم نیست که نتیجه این ماموریت چه خواهد بود. مشکلات آنها منعکس و راجع به آن صحبت می‌شود. ضمن اینکه به همراه سازمان‌ملل و دولت ایران باید به‌دنبال راه‌حل‌های فنی که آب را به تالاب هامون برساند، باشیم.»

علاوه بر این وقتی حسن روحانی در سفر هفتم فروردین خود برای شرکت در جشن جهانی نوروز رهسپار کابل شد یکی از موضوعاتی که طرف افغان پیرامون آن مذاکره کرد میزان حقابه ایران از رودخانه هیرمند و تالاب هامون بود. رییس‌جمهور در بازگشت از افغانستان در این‌باره گفت: «در این سفر در مورد رودخانه‌های مرزی و تالاب‌ها از جمله تالاب هامون صحبت‌هایی انجام شد و جمهوری اسلامی ایران تاکید کرد که باید تالاب هامون به شکل قبلی خود بازگردد و مقرر شد در این چارچوب هیاتی از افغانستان به‌منظور صحبت در حوزه آب به ایران سفر کند.»

در همه این مدت که مسوولان ایرانی و بین‌المللی برای انجام مذاکره یا بررسی شرایط به افغانستان و خود منطقه تالاب هامون رفته بودند، هیچ اثری از آب در منطقه نبود، با این حال از اواسط فروردین‌ماه امسال به واسطه وقوع سیلاب‌هایی بزرگ و بارش باران و برف در ارتفاعات افغانستان به یکبار آب سر از هامون درآورد. رودخانه سیستان که ادامه رودخانه هیرمند در خاک ایران است پرآب شد و آب را به بخش‌هایی از هامون هیرمند در دل خاک ایران رساند. همچنین قسمت‌هایی از هامون پوزک که بیشتر از ۹۰ درصد آن در خاک افغانستان است پرآب شد و قسمت‌هایی از هامون سابوری نیز از آبی که از افغانستان می‌آید بی‌نصیب نماند.

خسرو افسری مدیرکل محیط‌زیست استان سیستان‌وبلوچستان در اینباره با دلایل بازگشت آب به هامون در گفتوگو با «شرق» می‌گوید: «وقوع سیل به‌علاوه دیپلماسی و مذاکره ایران با افغانستان عامل اصلی این رویداد است. اما با این همه نباید تصور کنیم که الان مشکل تالاب هامون حل شده است. میزان آبی که الان به هامون رسیده، تنها ۱۰درصد از مورد نیاز این تالاب و برای تداوم وضعیت مناسب این تالاب باید دست‌کم تا یکماه آینده این به همین میزان وارد خاک ایران بشود و این روند برای دوسال نیز تداوم داشته باشد. چراکه در غیر این‌صورت مشکل خشکسالی باز هم ادامه پیدا خواهد کرد.»

در دل خاک ایران نیز و در منطقه میان هامون پوزک و هامون سابوری اداره کل محیط‌زیست استان سیستان‌وبلوچستان با حفر کانال‌ها و لایروبی بستر رودخانه‌ها و بندهایی که آب را به قسمت‌های مختلف تالاب منتقل می‌کند تلاش کرده است با مدیریت آبی که در حال ورود است آن را به نقاط مختلف تالاب برساند. در اقدامی دیگر این اداره کل با حفر یک کانال شش‌کیلومتری از رودخانه سیستان آب را به بخش‌هایی از تالاب هیرمند در جنوب‌غربی شهر زابل و اطراف کوه خواجه رسانده است. مجموعه این اقدامات تاکنون موفقیت‌آمیز بوده و روند احیای تالاب هامون در هر سه قسمت را با چشم‌اندازی مثبت مواجه کرده است. یکی از جولان‌هایی که ابتدای این گزارش از او یاد شد وقتی برای دوباره‌بربدن در آب به بالای پل می‌آید وقتی خطاب قرار دادم که خوشحالی؟ گفت: «آخرین باری که این رودخانه آب داشت و من در آن شنا کردم، تنها هشت‌سال سن داشتم. حالا ولی ۲۴سالم‌ام. می‌دانی ۱۶ سال خشکی و بی‌آبی یعنی چه؟ این را گفت و دوباره خیز برداشت سمت آب، پرسیدم شنا بلدی؟ ایستاد و پاسخ داد: « کسی که ۱۶سال در وسط دریایی از گرد و خاک و کویر زندگی کرده شنا کجا یاد گرفته است.» این را گفت و فریادکشان از ارتفاع پل پرید وسط آب.

بازدید گری لوییس از هامون در ۲۰ دی

مقایسه وضع آب تالاب در روستای تخت عدالت در فروردین و اردیبهشت

برکه‌های مرزبانی در وسط هامون پوزک

### گفت‌وگو با هوشنگ ناظری فرماندار زابل:

# خشکسالی «هامون» ۳۰۰ روستای سیستان را متروکه کرد

**شرق: هوشنگ ناظری از آبان‌ماه سال ۹۱ طی حکمی از سوی وزیر کشور وقت، به‌عنوان فرماندار شهرستان زابل منصوب شد. ناظری در سوابق کاری خود مشاور استاندار سیستان‌وبلوچستان، مدیرکل اداری و مالی استانداری سیستان‌وبلوچستان، مدیرعامل شهر جدید راماشار و چندین مسوولیت دیگر را برعهده داشته است. این گفت‌وگو در حاشیه نخستین کارگاه تدوین برنامه مدیریت درجاهه هامون با فرماندار زابل صورت گرفته است. ناظری در این گفت‌وگو از معضلاتی که خشکی هامون برای سرزمین سیستان به وجود آورده است سخن گفت.**

**آقای فرماندار! آیا شما آمار دقیقی از تعداد خانوارها و شهروندان اهل شهرستان زابل شامل شهر و روستاها که در ۱۰سال گذشته و پس از تشدید و تداوم بحران خشکسالی تالاب به‌ناچار از منطقه مهاجرت کرده و به دیگر نقاط کشور رفته‌اند در اختیار دارید؟**

آمارها در این‌باره متفاوت است. البته بحث مهاجرت یکی از ویژگی‌های همه جوامع و مراکز جمعیتی است. اما شرایط سیستان در این سال‌ها شرایط خاصی بود و با خشکسالی‌های مفرطی مواجه شده بود. همین موضوع نیز منجر به آن شد که حدود ۷۰ درصد از مردم سیستان که به کار کشاورزی، دامپروری و صیادی- یعنی مشاغل وابسته به تالاب- مشغول بودند کسب‌وکار خود را از دست بدهند، بی‌آبی و خشکسالی باعث شده بود همین جمعیت ۷۰درصدی دچار بیکاری بشوند. گروهی از اینها به‌دنبال کار و کسب درآمد ناچارا مهاجرت کرده و همچنان مهاجرت می‌کنند.

**آیا مهاجرت سیستانی‌ها یا مهاجرت به شکل معمول و در دیگرنقاط کشور تفاوت اساسی داشته است و به موضوع تالاب مرتبط بود.**

بله. همینطور است. آمار دقیق ۱۰سال گذشته را در حال حاضر نداریم، ولی تنها در نیمه‌دوم سال گذشته هفت‌هزار خانوار سیستانی از این منطقه مهاجرت کرده‌اند. به شکل کلی زمانی سیستان مهاجربذیر بوده و به دلیل پرآبی و حاصلخیزی، شغل‌های زیادی اینجا ایجاد می‌شد، اما بعد از خشکسالی، بسیاری از مردم از اینجا رفته و به‌خصوص به شهرهای زاهدان، مشهد، استان گلستان و دیگراستان‌ها مهاجرت کرده‌اند. بعضی از این مهاجرت‌ها هم به‌صورت فصلی است و دایمی نیست، مثلا در فصل برداشت پسته به استان سمنان یا کرمان می‌روند و پس از آن دوباره برمی‌گردند. ولی به‌هرجهت به‌دنبال این هستیم که تدابیری بیندیشیم که مردم شغل‌هایی را اختیار کنند که میزان وابستگی آن به آب کم باشد یا حتی وابسته به آب نباشد، مثلا تلاش برای استفاده از مزیت‌های مرز برای صدور و ورود کالا.

**آیا آماری از تعداد دقیق مبتلایان به سل یا دیگر بیماری‌های تنفسی در زابل وجود دارد؟**

آمارها را داریم، اما فعلا نمی‌خواهیم منتشر کنیم، ولی می‌توانم بگویم تعداد مبتلایان به سل در اینجا زیاد است و نسبت به همه نقاط دیگر کشور بیشتر است.

**چه تعداد روستا در خلال این سال‌های خشکسالی در سیستان تخلیه شده است؟**

ما ترجیح می‌دهیم اسم این دیوار را به‌جای دیوار مرزی، دیوار امنیتی ذکر کنیم چون این دیوار روی مرز نیست و داخل خاک ماست.

این دیوار محل رفت‌وآمدهای زیادی بوده و محاسن و مزیت‌های زیادی دارد که از ورود و خروج قاچاقچیان، اتباع خارجی و موادمخدر جلوگیری و به امنیت منطقه کمک کرده است. اما چیزی که شما می‌گویید هم درست است. پیش از این مردم از این معابر مرزی استفاده می‌کردند و شغل داشتند اما بعد از احداث دیوار این شغل‌ها حذف شد، ما باید در کنار این دیوار شرایط را برای این کار در نظر می‌گرفتیم و این پتانسیل‌ها دیده می‌شد.

الان روی این قضیه در حال کار هستیم، باید بازارچه‌های مرزی و معابر قانونی را تعریف می‌کردیم که از این معبرها این مراوادات اقتصادی به شکل قانونی انجام می‌شد. اما این اتفاق نیفتاد، یعنی خیلی خوب اتفاق نیفتاد، ما الان پنج بازارچه مرزی داریم که از این تعداد عملا تنها یک مورد - بازارچه میلک - فعال است و مابقی فعال نیستند.

**براساس تحقیقات من استفاده از معبر بازارچه میلک هم آنقدر دست‌وپاگیر و طاقت‌فرساست که بسیاری از کسانی که مایل به استفاده از قابلیت آن بودند عملا بی‌خیال آن شده‌اند. درست است؟**

واقعیت این است که مردم طلب هستند از این قابلیت استفاده کنند، جنس وارد و صادر کنند، اما همین موانعی که شما می‌گویید شامل بحث‌های گمرکی و هنگ مرزی و... دست‌وپاگیر بوده و مانع شده است. البته الان آقای استاندار برای تسهیل این روادید در حال مذاکره و پیگیری است. همین موضوع هم تا حدودی استفاده از این بازارچه را روان‌تر کرده اما هنوز به میزان مطلوب مدنظر ما نرسیده است. اما به هر جهت به نسبت گذشته بهتر شده است. به اعتقاد من این اتفاق باید حتما رخ دهد چون اگر نشود واقعا معیشت مردم دچار مشکل می‌شود، چون مردم باید محل درآمد داشته باشند، اگر این تدابیر اتخاذ نشود، مردم روی می‌آورند به کارهای غیرقانونی یا مجبور به مهاجرت می‌شوند.

**شما به‌عنوان فرماندار شهرستان زابل آیا در این سال‌ها محاسباتی کرده‌اید که خسارت مالی خشک شدن تالاب هامون به چه میزان بوده است؟**

این خسارت‌ها قطعا رقم‌های بسیار اقماری و کلانی است. در نظر داشته باشید در اینجا ۷۰ تا ۸۰ هزار نفر به صورت مستقیم از طریق تالاب هامون در بحث صیادی، دامپروری، صنایع دستی، کشاورزی، گردشگری و... اشتغال داشته‌اند. شغل این جمعیت زیاد با خشک شدن هامون از بین رفته است. همین یک رقم نشان می‌دهد این خسارت چقدر زیاد و بالا بوده است.

**خشک شدن این تالاب غیر از خسارت‌های مالی آسیب‌هایی به جان و سلامتی مردم سیستان هم وارد کرده است. در این زمینه وضعیت چگونه بود؟**

بعد از خشک شدن تالاب، بیماری سل در این منطقه به شکل بسیار زیادی شایع شده، یعنی هم‌اکنون منطقه شماره اول کشور به لحاظ شیوع بیماری سل، زابل است. دلیل آن نیز وقوع ریزگردهای همیشگی از بستر خشک‌شده تالاب است. ریزگردها از کف دریاچه بلند شده و به گوش و حلق و بینی مردم می‌رود، به غیر از بیماری سل، بیماری‌های گوش و حلق و بینی هم در سیستان بسیار زیاد داریم.

**آیا آماری از تعداد دقیق مبتلایان به سل یا دیگر بیماری‌های تنفسی در زابل وجود دارد؟**

آمارها را داریم. اما فعلا نمی‌خواهیم منتشر کنیم، ولی می‌توانم بگویم تعداد مبتلایان به سل در اینجا زیاد است و نسبت به همه نقاط دیگر کشور بیشتر است.

**چه تعداد روستا در خلال این سال‌های خشکسالی در سیستان تخلیه شده است؟**

ما در کل سیستان شامل شهرستان‌های زابل، هیرمند، نیمروز، زهک و هامون در حدود یک هزار روستا داشتیم که در این سال‌ها به دلیل وقوع خشکسالی ۳۰درصد این روستاها یعنی چیزی نزدیک به ۳۰۰روستا به دلیل قرار گرفتن در معرض شن‌های روان و وقوع بیکاری برای مردم متروکه و تخلیه شده‌اند. این خطر همچنان هم وجود دارد و اگر برای مردم شغل ایجاد نشود، امکان دارد روستاهای بیشتری تخلیه شود.

**آیا آماری از جمعیت شهر زابل در دست دارید که در این ۱۵ سال به چه شکل تغییر کرده است؟**

بر اساس آمار سرش